

خوانشی بوم گرایانه در اشعار سه گانی سپید سهراب سعیدی

دکتر علی محمد پشت‌دار*

دکتر فریدون اکبری شلدره**

اشرف جمالی قهدریجانی***

چکیده

سهراب سعیدی، یکی از نویسندگان و شاعران پر کار هرمزگان است که در حدود ۱۸ سال فعالیت ادبی ۹ کتاب شعر، ۴۵ کتاب تالیفی و بیش از ۱۲۰ مقاله پژوهشی و تخصصی چاپ کرده است؛ ایشان که تا مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی تحصیلات ادبی دارد، مدرس ادبیات فارسی نیز هست از اینرو با ادبیات کلاسیک و معاصر فارسی آشنایی دارد و این آشنایی سبب شده است اطلاعات علمی ادبی و همینطور عناصر و آداب بومی زادگاه خود را وارد شعر کند؛ این مقاله با روش تحلیل محتوا و با ابزار کتابخانه به بررسی بوم گرایانه در سه گانی‌های سپید سهراب سعیدی می‌پردازد و معلوم می‌شود وی اولین شاعری است که در استان هرمزگان در قالب سه گانی سپید شعر سروده و همینطور جزء نفرات اول در قالب سه گانی سپید در کشور است. سه گانی شعری کوتاه و یکی از ژانرهای شعری است که امروزه به دلایل فرهنگی و اجتماعی با توجه بیشتری رو به رو شده است.

کلید واژه: سهراب سعیدی، شعر سه گانی سپید، اقلیم جنوب

am.poshtdar@gmail.com

* استاد دانشگاه پیام نور

akbari.fe@gmail.com استادیار سازمان آموزش و پژوهش کتب درسی وزارت آموزش و پرورش

jamali_ashraf@yahoo.com

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۰۲



مقدمه

شعر صدای درون ماست که در لباس واژه‌های موزون و آهنگین و با برخوردارگی از عاطفه و احساس بر دل و جان‌ها می‌نشیند. شعر فارسی و ادبیات آن یکی از پویاترین، زنده‌ترین و غنی‌ترین ادبیات‌های جهان است. شناسنامه ما ایرانیان، شعر است و شعر با ما ایرانیان، زاده شده است. بدیهی است شعر فارسی در قالب‌های زیادی عرضه شده است. اما شعر کوتاه در زبان فارسی، به صورت تک‌بیتی، رباعی و دوبیتی از گذشته‌های دور رایج بوده است که البته قالب سه‌گانی را نیز باید به این فهرست بیفزاییم. در واقع یک قالب شعر کوتاه که در ادبیات معاصر بیش از قبل رشد کرده و بالنده شده قالب سه‌گانی است. دکتر علیرضا فولادی در کتاب بوطیقای شعر می‌نویسد: «سه‌گانی قالب شعری است که از سه مصراع یا سه سطر پدید می‌آید و در پایان آن، ضربیه‌ی نهایی و شاعرانه می‌آید. این شعر فرم بیرونی - کلی کوتاه و سه‌لختی و فرم درونی - کلی بسته و کوبشی دارد» (فولادی، ۱۳۹۴: ۷). بر این اساس هر شعری که چهار ویژگی: کوتاه بودن، سه‌لختی بودن، بسته بودن و کوبشی بودن را داشته باشد، خواه موزون و خواه غیرموزون، سه‌گانی است. بر این پایه سه‌گانی، سه شاخه دارد: ۱. کلاسیک (موزون)، ۲. نیمایی و ۳. سپید. سه‌گانی موزون، شعری است که وزن مصراع‌های آن متساوی (کلاسیک) یا نامتساوی (نیمایی) باشد و کلمات قافیه (و احياناً ردیف) آن نیز، در مصراع‌های اول و سوم یا دوم و سوم بیاید. سه‌گانی سپید البته وزن عروضی و قافیه ندارد و بیشتر بر تخیل و احساس استوار است. در سه‌گانی‌ها شاعران با توجه به ضیق وقت در دنیای معاصر، در سه مصراع کوتاه اندیشه‌های حکمی، عاشقانه، عارفانه، شکایت و روایت‌های خود را با هنر شعر در اختیار مخاطب می‌گذارند تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن هم‌گیرنده پیام به التذاذ ادبی برسد و هم پیام شاعر بدون هیچ پارازیتی ارسال شود. سه‌گانی را می‌توان «اعجاز ایجاز» نامید، زیرا پیام شعر، سریع و کامل در کوتاه‌ترین زمان ممکن انتقال می‌یابد. سه‌گانی، شعر زندگی است از این رو همواره باید مراقب استحکام زبان آن بود. بر همین پایه، سه‌گانی از جهت زبان و سبک «سهل و ممتنع» را در کار خویش مناسب‌تر می‌داند، چون هدف آن، رسیدن به شعر ناب است. سه‌گانی می‌کوشد خلأ شعر فارسی را از جهت نیاز جامعه‌ی ادبی به



شعر کوتاه ایرانی و به روز شده پر کند. پدید آمدن سه‌گانی، نشان از آن دارد که نظام شعر فارسی، همچنان سرزنده، بانشاط و توانمند است.

در روزگاری که رمان به داستان کوتاه و سرانجام به «داستانک» رسیده است، گویی آهنگ به هنجار در پهنی شعر هم همین است که مثنوی و قصیده و... جایشان را به سروده‌های سه‌لختی واگذارند.

گونه‌های ادبی، فرآورده‌ی نیاز و فرآیند افکار و خواهانی‌های اهل زمانه‌اند؛ از این رو، روایی «داستانک»، «سروده‌های سه‌لختی»، نمایانگر شتابِ سبکِ زندگی و سیمای اندیشگانی و گنجایی ذهن و زبان امروزیان است.

سروده‌های سه‌لختی از دید گستره‌ی معنایی و فراخی دامنه‌ی مفاهیم و تنگی میدان، چونان طبله‌ی عطار است که با همه‌ی خُردی و تنگ‌میدانی، هنرنمایی می‌کند و جهانِ ذهنِ خواننده را در خود فرامی‌گیرد.

تمام هنر و چابک‌دستی شاعر در این گونه سروده‌ها همین است که می‌تواند جهانی از معنا را در ظرفی محدود و کم‌دامن در بپیچد؛ سعدی در گلستان «فسحتِ میدان» برای مردِ سخنور می‌خواهد تا در آن دادِ سخن بدهد:

«فُسحتِ میدانِ ارادت بسیار
 تا بزند مردِ سخنگوی، گوی»

(سعدی، ۱۳۷۶: ۴۹: باب دوم گلستان)

سراینده‌ی این گونه سروده‌ها، فُسحت و گشادگیِ میدانی ندارد؛ گوهر دریای معانی را ناگزیر در فضایی بسته و تنگ درمی‌فشارد. دوست فاضل و سراینده‌ی پرکار آقای سهراب سعیدی عزیز نیز در این میناگری و قلم‌کاری با واژه و معنا به خوبی، هنر و مهارت خود را نموده است و نگاره‌هایی چشم‌نواز در سه پرده آفریده است که می‌توان در آن خیزابه‌های فکر، دل‌مشغولی‌های زبان و ذهن و تلاطم زندگی و دگرذیسی‌های بافتار سیاسی-اجتماعی را تماشا کرد.

بسامدِ جغرافیای واژگانی اشعار سهراب سعیدی اگر چه رنگ بومی و محیط زندگانی سراینده را بر پیشانی دارد، (واژگانی همچون: شرحی، موج، قایق، بندر، دریای جنوب، نخل، بندری، دریا، لنج، جزیره، نهنگ، دلفین، اسکله، خرما)؛ اما در این ظرف کلمات و جغرافیای بومی واژگان،



مفاهیم بشری و معانی دنیای انسان معاصر با دل‌نگرانی‌ها و بی‌خانمانی‌هایش، در پیچیده است. برای نمونه:

« کمی بایست / قرن معاصر / تکرار فرارهایی است برای ماندن ». (همین دفتر، ص ۲۸)
سخن دیگر آن که، شاعر در این دفتر از «نقابداری» همروزگاران و همقطاران، در دل می‌موید و از این دورنگی و ریا و نفاق می‌رنجد:

« از سن کم به زندگی سخت آمده است / چقدر باید تجربه پیدا کند / برای نقاب، برای بی‌نقاب »
(همین، ص ۳۰)
یا:

« فکر را شست و شو می‌دهم / باید لبخند بزدم / دنیای بانقاب » (همین، ص ۳۷)
در مورد اشعار سهراب سعیدی بجز مقدمه کوتاهی که دکتر فریدون اکبری شلدره بر مقدمه یکی از آثارش نوشته است تا کنون تحلیلی جامعی صورت نگرفته است اما تعدادی از اشعار ایشان در ویژه‌نامه نوروزی ۹۸ پژوهشنامه اورمزد هرمزگان به همراه شعر ۱۸۰ نفر از دیگر شاعران استان هرمزگان چاپ شده است. اما هرمزگان با قدمت تاریخی خود، شاعران و فرهیختگان فراوانی دارد که متأسفانه اثری جامع که بتواند زندگی و یادگار اندیشه‌های آنان را ثبت کند وجود ندارد؛ البته باید یاد آور شد که در سال ۱۳۸۶ آقای «سهراب سعیدی» در کتاب «تاریخ ادبیات میناب» زندگی و شعر شاعران میناب را از قرن ۱۲ تا هم اکنون، به نگارش در آورد و خانم «لیلا سیاوشی» در کتاب «تذکره و شعر شاعران بندر لنگه»، نویسندگان و شاعران آن دیار را معرفی کرد. آقای «احمد حبیبی» در کتاب «دُرّ دری در کنار خلیج فارس» که در سال ۱۳۶۸ به چاپ رسید به معرفی زندگی و شعر شاعران و نویسندگان هرمزگان اقدام کرده است. خانم «ماندانا سایبانی» در کتاب «در یادمانده‌ها» و کتاب «سخن و سخنوران هرمزگان»، بعضی از بزرگان ادبی دیار هرمزگان را معرفی نموده است و در سال ۱۳۹۳ مرحوم خانم «فاطمه دژگانی» نیز در یکی از کتاب‌های خود با عنوان «زندگی نامه شاعران و مشاهیر هرمزگان» به معرفی شاعران هرمزگان پرداخته است. این مقاله اندیش و جهان بینی سهراب سعیدی را در دو دفتر شعر سه گانی اش به صورت فشرده بررسی



بحث اصلی و تحلیل

سهراب سعیدی به سال ۱۳۵۸ در روستای محمودی بخش مرکزی میناب دیده به جهان گشود، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دارد و معلم دبیرستان‌های میناب است او که مدیر مسؤل و صاحب امتیاز فصل‌نامه ادبی اورمزد هرمزگان نیز هست در ادبیات فارسی و فرهنگ مردم مشغول فعالیت است و تا کنون پژوهش‌ها و تألیفات بسیاری را انجام داده است. سعیدی که شعر هم می‌سراید بیش از ۴۵ کتاب چاپ شده در فرهنگ شفاهی و ادبیات فارسی، ۱۰ مقاله علمی پژوهشی، ۷ مقاله علمی ترویجی، ۱۲۰ مقاله تخصصی، ۳۰ همایش داخلی و بین‌المللی در کارنامه دارد. همین‌طور ایشان هفت مجموعه شعر با عناوین: «یک کاروان به دنبال تو»، «کاغذ پاره‌های دفترم بوی شعر می‌دهد»، «خلیج بوی تو می‌دهد»، «نگاهت دنباله من است»، «بی مقدمه آغاز می‌شوی»، «بادها موهایت را در چنگ دارند» و «به روش پروانه‌ها دوستت دارم» دارد. از ایشان بعنوان پژوهشگر برتر، معلم نمونه، چهره ماندگار و مفاخر فرهنگی استان هرمزگان ایران تقدیر شده است.

اما از مهم‌ترین تفاوت‌های متون ادبی کهن فارسی با ادبیات جدید، تفاوت در طرز برخورد شاعر یا نویسنده با محیط پیرامون خود و تأثیر پذیرفتن از آن است. در عصر کنونی، منطقه جنوب ایران به سبب داشتن آب‌وهوای گرم، آفتاب سوزان، نخلستان‌ها، دریا و... در کانون توجه شاعران و نویسندگان قرار گرفته و این ویژگی‌ها در آثار آنان منعکس شده است. شاعران هرمزگان عموماً از این تصاویر برای بیان مقصود خود بهره می‌برد. شاعران اقلیمی از عناصر موجود در طبیعت زندگی‌شان تأثیر می‌پذیرند و به میزان کشفشان از جهان و به میزان زندگی شاعرانه خود با عناصر بومی دیار خود ارتباط برقرار می‌کنند. شاعران هرمزگان به دریا و اقلیم بومی چون نخل و دریا در شعرشان فراوان نموده‌اند. شاعران هرمزگانی و جنوبی از این عناصر اقلیمی در آثارشان فراوان استفاده کرده‌اند.

«یکی از دست‌مایه‌های اصلی شاعران در لحظات آفرینش شعر، بهره‌گیری آنان از طبیعت، اقلیم و فرهنگ محیط است که به اشکال گوناگون بر شعر آنان سایه می‌افکند و در تکوین آثارشان سهمی عمده ایفا می‌کند. شرایط اقلیمی و محیطی بر شعر زنان شاعران جنوب تأثیر گذاشته و به



کار بردن واژه‌هایی چون دریا، لنگر، کپر، خرما، حنا، سرکنگی، رقص، روسری و... نشان‌دهنده پیوند ناگسستنی ساحل‌نشینان با فرهنگ بومی و اقلیمی خویش است» (سعیدی، ۱۳۹۵: ۲۸). حضور دریا در شعر شاعران کنار ساحل، همان حضور دریا در زندگی عادی ایشان است؛ اما حضوری که از صافی احساس شاعر گذر داده شده است. در شعر شاعران هرمزگان واژه‌هایی چون «قایق»، «بادبان»، «پارو»، «صید»، «تور ماهی‌گیری» و عناصر جنبی دریا مثل «ساحل»، «سفر دریایی»، «دزد دریایی»، «ملوانان»، «زیست»، «مروارید» و «مرجان» حضور فعال دارد. استفاده از واژگانی چون دریا، لنگر، لنج، روسری و اشاره به رقص «سرکنگی» که در عروسی‌ها رایج است همه برگرفته از فرهنگ بومی محلی این سرزمین است. «اشاره به نمادهای دینی و مذهبی و استفاده از مفاهیم عاشورا و انتظار و به وفور در غزل‌ها یافت می‌شود که نشان‌دهنده باورها و عقاید شاعران این خطه است؛ البته سه عنصر نخل، دریا، آفتاب و ملزومات آن‌ها پربسامدترین واژه‌ها در شعر جنوبند» (اسماعیلی، ۱۳۹۷: ۲۵).

از مهم‌ترین تفاوت‌های متون ادبی کهن فارسی با ادبیات جدید، تفاوت در طرز برخورد شاعر یا نویسنده با محیط پیرامون خود و تأثیر پذیرفتن از آن است. در منطقه جنوب ایران به سبب داشتن آب‌وهوای گرم، آفتاب سوزان، نخلستان‌ها، دریا و... در کانون توجه شاعران و نویسندگان قرار گرفته و این ویژگی‌ها در آثار آنان منعکس شده است. از ویژگی‌های برجسته ادبیات معاصر، که در متون ادبی دوره‌های قبل کمتر دیده می‌شود، بازتاب اقلیم و تصاویر بومی محل زندگی شاعر یا نویسنده است. «در شعر شاعران سده‌های پیشین ادب فارسی، حتی در عصر نخست آن، که دوره طبیعت‌نام‌گذاری شده، تشخیص‌نداشتن صبغه اقلیمی در تصاویر شعری به‌روشنی دیده می‌شود» (نوری، ۱۳۹۰: ۱۷۵).

هنرمند غرقه در عناصر محیطی خویش است. از کودکی تا بزرگسالی، عناصر و عوامل محیطی بر ساخت روح، عاطفه و احساس او تأثیر می‌گذارد. در شعر امروز، دیگر عناصری مثل دریا، کوه، جنگل، مرداب و... موضوعی کلی نیست؛ یعنی شاعر دیگر خود را ملزم به سرودن قصیده، غزل یا حتی شعری سپید درباره دریا و کوه نمی‌کند. «اما از آنجا که هر شاعری از عناصر موجود در طبیعت زندگی‌اش تأثیر می‌پذیرد، به میزان کشف او از جهان و به میزان زندگی شاعرانه‌اش با



هریک از پدیده‌های شعر خود، این عناصر نمود پیدا می‌کند. البته، شاعران و داستان‌نویسانی که در مناطق دور از پایتخت زندگی می‌کنند، بیش از دیگران، تحت تأثیر عناصر مختلف فرهنگی، زیستی و اقلیمی محل زندگی‌شان قرار می‌گیرند.

ادیات اقلیمی بیان‌کننده نوعی از ادبیات است که شاخصه‌های جغرافیایی (آب‌وهوا، وضعیت طبیعی و...)، فرهنگی-اجتماعی (آداب و سنن، اعتقادات، زبان، مذهب، نژاد، سابقه مبارزاتی علیه بیگانگان و...) و اقتصادی (فعالیت‌های اقتصادی مانند کشاورزی یا صنعت) منطقه معینی را نشان دهد؛ به گونه‌ای که این شاخصه‌ها وجوه متمیزه این منطقه با دیگر مناطق باشد» (تمیم داری و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۷۵)

اما در این میان اکثر شاعران پست مدرن و کلاسیک هرمزگان فراوان از اقلیم محلی در اشعارشان بهره برده‌اند. غزل‌سرایانی چون محمدعلی بهمنی، جواد ضمیری، امینه دریانورد، محبوبه اسماعیلی، مسلم محبی، هاجر مهدی حسینی، زهرا اسپید، سارا عباسی و غیره.

شاخصه‌های جنوب در کتاب سه‌گانی یک کاروان به دنبال تو

سهراب سعیدی یکی از شاعران و نویسندگان بومی هرمزگان است که علاوه بر ثبت و ضبط فرهنگ عامه و ادب شفاهی هرمزگان، در اشعارش نیز از عناصر بومی و فرهنگ عامه بهره می‌برد تا ماندگاری آن اصطلاحات، واژه‌ها و رسم‌ها را بیشتر کند که در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از آن و بررسی بوم‌گرایانه آن اشعار می‌پردازیم.

شلوار درچاکی زنش

برق پل میناب می‌شود

برای چشمانی که در تاریکی می‌چرخد (سعیدی، ۱۳۹۷: ۱۴)

«شلوار درچاکی»، نوعی شلوار زنانه در هرمزگان است که با وجود گرانتیمت بودن در بین خانم‌ها طرفداران زیادی دارد که سعیدی آگاهانه این نوع شلوار را که از پولک ساخته می‌شود و برق می‌زند را در سه‌گانی‌هایش استفاده می‌کند..

قایق برای جنگل حرای ذهن تو



کافی نیست

باید تمام لنج‌ها در اندیشه ات تخلیه شوند (همان، ۱۵)
«قایق»، «جنگل حرا» و «لنج»، واژه‌هایی هستند که اقلیم جنوب را در سه گانی‌های سعیدی به تصویر می‌کشند و سعیدی برای بیان اندیشه اش دست به دامان اقلیم بومی خود شده است تا هم واژه‌ها و اصطلاحات بومی را حفظ کند و هم اشعارش را جذاب نماید.

در ساحل نمی‌شود لنگر گرفت

لنج‌ها خور را گرفته اند

ذهن من اما خود را برای آرامش تو می‌خواند (همان، ۱۷)

«ساحل» و «لنج»، واژه‌های دیگر بومی هستند که در اندیشه سعیدی جای دارند دریا موج است، تمام لنج‌ها به ساحل و خور آمده اند، اما ذهن شاعر درگیر این موضوع است تا در این شرایط ناسامان، آرامش را برای خود و خانواده اش به ارمغان بیاورد.

ماهی کوچک تنگ

در زندان کوچکش می‌رقصد

دخترم اما سرخ می‌شود در بیرون تنگ (همان، ۲۲)

«ماهی» در این سه گانی زیبا و پر تصویر جهان بینی سهراب سعیدی را نمایان می‌سازد که البته ایشان همواره ایام در فکر ثبت ادب شفاهی و اقلیم بومی است. ماهی سرخ عید در تنگ کوچکش حرکت می‌کند و سبب سرخی و خجالت دختر کوچک شاعر می‌شود و در واقع ماهی سرخ تداعی یکی از آداب و رسوم نوروزی در این سه گانی شده است.

سوار بر موج

دختر کوچکم را صدا می‌زنم

دریا همین نزدیکی است (همان، ۲۴)

«موج» و «دریا»، تصویر این سه گانی را نیز به جنوب می‌کشاند، جایی که شاعر در آن زیسته و با موج و دریایی آشنایی دیرینه دارد. مصراع سوم این سه گانی مخاطب را غافلگیر می‌کند؛ شاعر بر موج‌های دریا سوار و در حال غرق شدن است اما باز هم در حالت مرگ نگران دختر کوچکش



است؛ اما مصراع سوم می‌گوید غرق شدن در دریا افتادن همین مشکلات روزه زندگی است که ذهن شاعر را درگیر خود کرده و نمی‌خواهد در این دریای غم و مشکلات به خانواده اش آسیبی برسد.

شرجی شانه تکان می‌دهد

تا در سادگی دریای جنوب

موج‌ها با من بندری برقصند (همان، ۲۷)

«شرجی»، «دریا»، «موج» و «رقص»، عناصر بومی هستند. رقص بندری به گونه‌ای است که شانه‌ها تکان می‌خورد که البته با موسیقی محلی لوطی و لیوا به حسن آن افزوده می‌شود. در این جا علاوه بر جان دار پنداری شرجی و موج در مصراع سوم شاعر حرف نهایی خود را زده است که این دریا و این خلیج همیشه پارس است و با مشخصات آن بوی جنوب ایران می‌دهد.

درخت کوچ نخلم

عروس شده است

با خوشه‌های رنگارنگش (همانجا)

شاعر برای ثمر دادن نخل کوچک حیاط خانه اش اینگونه تصویر آفرینی کرده است و در سه‌گانی دیگر نیز نخل اینگونه ذکر می‌شود:

کفتر دشتی می‌شوم

بر بلندای نخل‌هایی که

بوی تو می‌دهند (همان، ۴۸)

«نخل» هم از عناصر بومی سه‌گانی‌های سهراب سعیدی است و آن درختی است که در استان هرمزگان فراوان می‌روید و همیشه دم دست هست از این رو نخل به گونه‌ها و در تعابیر گوناگون چه به صوت حقیقی و چه به صورت مجازی در شعر این شاعر حضوری گسترده دارد.

و یا:

دریا تسکینم نمی‌دهد

دردم به بزرگی نخلی است



که همچنان بالا می‌رود (همان، ۳۳)

این سه گانی نیز بلاغت تصویر دارد؛ دریا معمولاً با صدای امواجش در حکم مادری است که برای انسان‌ها لالایی می‌خواند و خود سبب آرامش روح و روان است؛ اما دردهای شاعر مانند نخلی است که هر روز رشد می‌کند و بزرگ تر و بیش تر می‌شود به طوری که آنقدر دردهای شاعر زیاد است و کاری از دست دریا ساخته نیست. اشاره کردن به رسوم عامیانه در اشعار سپید و سه گانی‌ها، یکی دیگر از شگردهای سهراب سعیدی در ثبت و ضبط فرهنگ عامیانه هرمزگان است که این شاعر پژوهشگر چندین سال است کمر همت بسته و فرهنگ و ادب شفاهی این استان را به رشته تحریر آورده است.

چهارده عدد عجیبی است

چهاردهمی دردی از تو دوا می‌کند

برای روزهایی که قصه نمی‌خوانی (همان، ۳۷)

چهاردهمی یکی از آئین‌های بومی و منحصر در استان هرمزگان است و آن مراسمی است فال گونه که هر سال در چهاردهم ماه صفر توسط خانم‌ها برگزار می‌شود و در کل چون با شعر و آواز همراه است می‌توان گفت روزی با شعر و شروه برای خانم هاست، تا دمی از مشکلات آنان کاسته شود و ساعاتی را در کنار زنان دیگر به شادی و نشاط بپردازند.

دردم را بر لنجی می‌نهم

برای زدن به اقیانوس که

سالهاست غرق نشده است (همان، ۴۱)

«لنج»، «اقیانوس» و «غرق شدن» سوژه اصلی سهراب سعیدی در این سه گانی است؛ هر چند غرق شدن اقیانوس خود تصویری بکر و خلاقانه است در این سه گانی نیز شاعر دردهایش را بر لنجی می‌نهد و به اقیانوس می‌رود؛ شدت دردهای او به گونه‌ای است که حتی اقیانوس آرام را نیز غرق می‌کند.

خوندغ^۱ها ردیف شده اند



برای هیش^۱ سبک تازه تو

این همه ازدحام (همان، ۴۶)

«خوندغ» و «هیش» که معمولاً در مراسم عروسی کاربرد دارد؛ اما سعیدی که قالب سه‌گانی سپید را برگزیده است و در حال حاضر در استان هرمزگان تک تیرانداز در این قالب است به مخاطبانش این موضوع را یادآوری می‌کند که عروسی به پا شده است و همه جا جشن و شادی است که «سهراب سعیدی» سبک و مکتب ادبی تازه‌ای را در اشعار سپیدش به کار می‌برد. به نظر می‌رسد سهراب سعیدی در قالب سه‌گانی سپید در استان هرمزگان و کشور، جزء اولین‌ها و سرآمدان است.

به روستای تنت لباس بندری می‌پوشانی

شهر شلوغ می‌شود

این همه رنگ؟! (همان، ۴۶)

«لباس بندری» که پوشش مناسب هوای گرم هرمزگان است در این سه‌گانی سهراب سعیدی هم آمده است. در هرمزگان ساکنان قدیمی معمولاً لنگ و کپره (نوعی پیراهن) می‌پوشند و زنان پیراهن کندوره و شلوار درچاکی که معمولاً رنگارنگ و شاد است که در اشعار سعیدی این لباس رنگارنگ به خوبی رونمایی شده است و شاعر آگاهانه بیان می‌دارد و امیدوار است که هنوز در روستاهای استان پوشش‌های محلی بخصوص در بین خانم‌ها رعایت می‌شود و البسه محلی هم که جزئی از فرهنگ عامیانه یک قوم است از رونق نیفتاده است.

در خوابم

کوسه‌ها ولگردی می‌کنند

نهنگ‌ها اما همیشه رها‌بند (همان، ۴۹)

و:

جزیره ام در حصار موج‌ها

دلفین‌ها



کی می‌رسند؟ (همان، ۵۱)

در این سه گانی، «ولگردی کوسه‌ها» و «حصار موج» دلمشغولی و نگرانی‌های شاعر را رونمایی می‌کند. سعیدی در این اعتراض نیز از عناصر بومی بهره می‌گیرد تا این نکته را برساند که در هر شرایط از ثبت فرهنگ عامه غافل نیست و حسودان هر چه می‌خواهند بر زبان آورند.

«جزیره»، «دلفین»، «کوسه»، «نهنگ»، «موج» اقلیم بومی سه گانی‌های سهراب سعیدی را نشان می‌دهد؛ البته در سه گانی‌های دیگر سعیدی نیز اقلیم جنوب به صورت فراوان دیده می‌شود؛ البته سعیدی بیشتر به جانمایه «دریا»، «نخل» و «آفتاب» با تمام ادوات آن پرداخته است و هر گاه از آن تصویر، برداشت متفاوتی را ارائه داده است.

اسکله و من

سالهاست با خشکی آشنائیم

دریا هم این سال‌ها را گریه نکرده است (همان، ۵۲)

در این سه گانی نیز اعتراض ملیح و تلخ و گزنده سعیدی در عناصر بومی ریخته می‌شود و البته خشکی و سرد بودن روابط هم آمده است که شاعر و اسکله که در کنار آب هستند اما خشک سالی را تجربه می‌کنند و دریا با این همه آب چشمش خشک است و ابی ندارد. جدای از تصاویر زیبای این سه گانی ذکر کردن خشکی و دریا با هم به حسن کار افزوده است.

و: شرحی همچنان

در خم پیشانی اش موج می‌شود

دریا با هوای بندر دوست است (همان، ۵۳)

دریا و ادوات آن شاخصه اصلی اقلیم بومی در شعر سعیدی است بعد از آن نخل و اشاره به آداب محلی و آفتاب در دسته‌های بعدی قرار دارند.

یک رنگ

دو رنگ

هیچ کس دریا نمی‌شود در بخشش دستانم (همان، ۵۳)



در سه‌گانی‌های قبلی دریا خشک و بخیل بود اما در این سه‌گانی دریا به نقش اصلی خود که همان بخشندگی است بر می‌گردد؛ هرچند بعضی از مردم این زمانه دو رنگ و ریا کار شده‌اند؛ اما دریا رسالت و کار خودش را انجام می‌دهد.

و: از نگاه‌های غمگینت

پرستوها کوچ می‌کنند

ماهی‌ها اما دریا برایشان امن است (همان، ۶۴)

و یا: چه دارد لنج ناخدا

پرندگان رهایش نمی‌کنند

در بی‌قراری دریا

«ماهی»، «دریا»، «لنج»، «پرندۀ دریایی»، «ناخدا»، واژه‌های پر کاربرد در سه‌گانی‌های سهراب سعیدی است و در واقع هر گاه سعیدی خواسته سه‌گانی بسراید این تصاویر دم‌دستش بوده‌اند تا بتواند بهره‌کافی را در انتقال اندیشه‌اش ببرد.

و در سه‌گانی دیگر باز هم دریا در اندیشه سعیدی سوار است؛ هرچند دریا در تعبیر کنایی می‌آید که دریا خواب مرگ دیده است و در واقع دریا نیز می‌تواند بمیرد و رسالت اصلی خود را انجام ندهد. در این جا دریا خود شاعر است که به سن ۴۰ سالگی رسیده است و دارد به اعمالش رسیدگی می‌کند چون میانسال است و عاقلانه است که از یاد مرگ غفلت نکند.

گاهی در خود غرق می‌شوم

گویی دریا

خواب مرگ دیده است (همان، ۷۶)

نخل نیز در سه‌گانی‌های سعیدی حضوری فعال دارد که در این مجال به ذکر چند مورد از کاربرد نخل در سه‌گانی‌های سعیدی که بسامد آن در این دفتر نسبت به دفتر دوم بیشتر است را بیان می‌داریم.

خرمای مرداسنگ

نگاه زلال، توسط www.SID.ir



عسل می‌ریزه از خرما ی چشات (همان، ۷۲)

تصاویر این سه گانی نیز زیبا و بکر است و آن اشاره به خرما ی مرداسنگ و پاچین کردن نخل‌ها از سوژه‌های اقلیمی جنوب است چرا که خرما ی مرداسنگ که معمولاً با شیره نگهداری می‌شود و به خرما شیره معروف است یکی از سوغات‌ها و خوردنی‌های پر مفید و پر طرفدار در استان هرمزگان است.

فاصله‌های دور در تو نزدیک می‌شود

ما با هم

پاچین می‌کنیم نخل‌های بریده را (همان، ۷۴)

«دریا» و «غرق شدن»، این شعر را به اقلیم جنوب سوق می‌دهد. سهراب سعیدی در مجموعه اول سه گانی‌های خود از اقلیم جنوب چون «دریا»، «نخل»، «آداب و رسوم»، «آفتاب»، با ادوات آن استفاده کرده است. در شعر سعیدی، نخل و انواع آن و همچنین فرآورده‌های مربوط به نخل می‌آید که مربوط به جمع آوری محصول نخل است. همینطور ادوات دریا چون «لنج»، «فانوس»، «موج»، «شنا»، «غرق شدن»، «ماهی»، «دلفین»، «کوسه»، «نهنگ»، «مرغان دریایی»، «ناخدا»، «دزد دریایی»، «جزیره» و... در تعبیر متفاوت می‌آید. علاوه بر این سعیدی در مجموعه اول سه گانی‌های خود به بعضی از آداب و رسوم بومی هرمزگان، چون چهاردهمی، سیزده نوروز، سبزه نوروزی و ماهی سفره عید و... نیز اشاره دارد که این موضوع اشراف او را به فرهنگ بومی هرمزگان می‌رساند.

شاخصه‌های جنوب در کتاب سه گانی‌های نگاهت دنباله من است

سهراب سعیدی در مجموعه دوم سه گانی‌های خود که با عنوان «نگاهت دنباله ی من است» منتشر شده نیز نگاه بوم گرایانه دارد. هر چند سه گانی‌های سعیدی سه گونه اند: دسته‌ای که انتقاد از اجتماع و رنجش‌هایش است؛ دسته‌ای دیگر که عاشقانه‌های سعیدی است و دسته‌ای دیگر که بوم و اقلیم جنوب در آن چهره غالب است که در این مجال به ذکر و بررسی نمونه‌هایی از این دست بسنده می‌کنیم و سه گانی‌های عاشقانه‌ها را در جا و فرصت مناسب پی می‌گیریم.



حرکاتش شعری است

این همه نهنگ تنها؟! (سعیدی، ۱۳۹۸: ۷)

معمولا شعر و غزل سبب نشاط و دوری از افسردگی و گوشه‌گیری می‌شود؛ هنگامی که صیاد یا ناخدا پارو می‌زند، صدای پاروی او در حکم یک شعر آرامش بخش است، نهنگ‌های افسرده و تنها با شنیدن صدای پارو زدن به روی آب می‌آیند تا افسردگیشان رفع شود. تصویر این سه‌گانی زیبا و پر مفهوم است.

غم من با تو یکی است

دریا

کمر کوه را شکسته است (همان، ۱۴)

و یا:

از غمگنانه‌های نگاهت

پرستوها می‌کوچند

ماهی‌ها اما دریا برایشان امن است (همان، ۲۵)

«ماهی»، «دریا» و «پرستو» این سه‌گانی سعیدی را بومی کرده است. «دریا»، «نهنگ» و «پاروکش»، از ادوات بومی در این چند سه‌گانی اند که تصویری زیبا را خلق کرده است. و همین‌طور شاعر اشاره ظریفی نیز به پیدایش اولیه شعر داشته است که می‌گویند شعر از حرکات و آوازه‌ها و صداهای دسته‌جمعی مردم به هنگام کار یا از صدا و پارو زدن صیادان به هنگام صید در دریا شکل گرفته است.

حس و حال تو هنوز می‌آید

قلعه هزاره

شاهد تمام روزهای بی‌تو بودن است (همان، ۱۰)

و یا:

آزادی حس خوبی است



در ماه و ستاره جلیل بندری ات (همان، ۴۴)

«قلعه هزاره» نام قلعه‌ای بازمانده از روزگاران گذشته در شهر میناب است که ساکنان بومی بر این باورند که خانمی به نام «بی بی مینو» این قلعه را بنیان نهاده است. این قلعه بر بلندی که به شهر میناب اشراف دارد قرار دارد و کسی که در قلعه است از آن بلندایی می‌تواند به شهر و حرکات مردم اشراف داشته باشد. از این رو شاعر قلعه هزاره را شاهد کارهایش آورده است که به همه امور شهر میناب اشراف دارد.

قد بلندت انتهای هر نخل است

دستانت اما

پرنده‌ای در پرواز آسمان (همان، ۱۴)

و:

سکوت می‌کنم از بلندای تو

گفته‌هایم دل می‌آزارد

نخل امیدم می‌شوی؟ (همان، ۲۸)

نخل هم یکی از عناصر بومی شعر هرمزگان است که در سه گانی‌های سعیدی در برداشت‌های واقعی و مجازی می‌آید، نخل بلند است و سعیدی آن را به قد یارش نسبت داده است و در سه گانی دیگر امید و نشاط و سرزندگی را با نخل آورده است که همیشه سر سبز است و خزان و زمستان بر شادابی و سرسبزی اش کم تأثیر است.

عشوه می‌ریزد از نخل بلندش

ماه

در غیاب یار من (همان، ۷۴)

و:

تا مدادها جوانه بزند

نخلی بلند خمیده می‌شود

بی‌چوب الف سبز نمی‌شود انسان (همان، ۷۹)



سعیدی در این سه‌گانی در نقش یک واعظ و پند دهنده حاضر شده است که در ذهن مخاطب این نکته روشن می‌شود که شاعر معلم است و در واقع این سه‌گانی را به مناسبت روز معلم سروده است و بیانگر این نکته است تا دانش‌آموزان به جایی برسند معلم‌هایشان خمیده و پیر می‌شوند و هم‌اینکه با معلمف‌مرشد و راهنما می‌توان طی مرحله کرد.

نخلی بلند

شهد جوانی اش را

در طلوع عاشقانه تو می‌ریزد (همان، همانجا)

«نخل» از سوژه‌های اصلی شعر سهراب سعیدی در هر دو مجموعه سه‌گانی است. همین‌طور خورشید و گرمای جنوب نیز از عناصر شعری شاعران بومی سرای هرمزگان است که سهراب سعیدی نیز از این قاعده غافل نمانده است:

شب در آرامش من چادر می‌گستراند

سایه‌های شوم اما

نقشه‌های خورشید می‌کشند (همان، ۲۰)

آئین سیزده بدر، یکی از آئین‌های نوروزی است که در واقع آخرین مرحله از جشن‌های نوروزی است که در شعر سعیدی وارد شده است:

پیرمرد مهربان

سیزده را در جوی آب و سایه اش می‌شوید

نحسی خودش می‌رود (همان، ۲۲)

در این سه‌گانی به باورهای عامیانه اشاره شده است که در افواه و باور مردم روز سیزدهم نوروز نحس است و باید جهت رفع نحوست از خانه بیرون رفت و در دامان طبیعت پناه گرفت و برای نیل به اهداف و آرزوها سبزه‌های نوروزی را گره زد.

هفت سین را

در برکت چشمانت پهن می‌کنم



در این سه گانی سفره هفت سین هم در جهت همان آئین باستانی نوروز گسترده شده است، اما آنچه بیشتر در این سه گانی جلب توجه می‌کند اشاره به عدد هفت، در هفت سین و هفت دعای عاشقانه است.

آئین چاووش خوانی نیز یکی از آئین‌هایی است که قبل و بعد از رفتن زائر به سفرهای زیارتی توسط ملای چاووش خوان در دو یا سه مرتبه اجرا می‌شود و آن شامل اشعاری است در مدح و مرثیت امامان و بزرگان دین که با صدای خوش و در حالت دست بر بناگوش ترنم می‌شود:

چاووش خوان

مرداد را گرم تر می‌کند

مهر تو کاروان را گرفته است (همان، ۲۸)

گذشته از توجه به آئین‌ها، نخل‌ها، دریا، آفتاب، پرندگان، طبیعت بکر، حس و حال اشعار سعیدی بخاطر اینکه خود پژوهشگر فرهنگ عامه است بومی‌گرایی است. سعیدی آگاهانه مسائل بومی را در اشعارش مطرح می‌کند که هم به زیبایی اشعارش کمک می‌کند هم سبب ایجاد ادبیات اقلیمی در قالب سه گانی می‌شود و همین سبب غنای زبان و ادبیات فارسی می‌گردد.

اضافه شدن خوب است

اضافه بودن اما

برای ناخدا نان شب نمی‌شود (همان، ۳۳)

«ناخدا» از سوژه‌های اصلی جنوب در این سه گانی است که سعیدی به خوبی از پس آن برآمده است که اضافه شدن در جمع سرآمدان خوب است، اضافی بودن اما کار شایسته‌ای در خاموشی چراغ رابطه‌ها نیست.

چشمانت دریایی موج است

اشک‌هایت اما

در انتهای صدف‌ها در می‌شود (همان، ۳۴)

و یا:



با دزدان دریایی است

نگاهت اما قاتل دل من است (همان، ۷۶)

«دریا»، «موج»، «صدف» و «در» در این سه‌گانی کوتاه شعر را به جنوب می‌برد. دزدان دریایی برای اولین بار در این سه‌گانی سعیدی رونمایی می‌شود و تنها در همین سه‌گانی اش می‌آید.

حس تو مجلسم را گرم می‌کند

لوطی‌ها اما

در دامنشان می‌رقصند (همان، ۳۵)

«لوطی»، «رقص» و «دامن لوطی»‌ها، یاد آور موسیقی جنوب است که نوازندگان مرد با دامن‌های زنگوله دار مجلس شادی را شادتر می‌کنند. لوطی برای مجلس گرمی خودشان نیز در دامنی که پوشیده اند می‌رقصند و رقص‌ها و حاضران را به وجد می‌آورند تا هلهله و شاباش آن مراسم افزون شود.

آرامم در خلوت شلوغ زمین

دردهایم اما

اقیانوس آرام را پی می‌کند (همان، ۳۷)

و یا:

اشک‌هایت

در فرار ماهی‌ها

آبی دریای خلیج را گل آلود می‌کند (همان، ۳۸)

در سه‌گانی‌های سعیدی از دریا و ادوات آن بحث شده است؛ در اینجا تعدادی از سه‌گانی‌های دیگر ایشان را با محتوای دریا ذکر می‌کنیم تا مخاطبان بیشتر با شعر و جهان بینی ایشان آشنا شوند:

ماهی‌ها در قایق تو کوچ می‌کنند

دریا بی من کوسه دارد

مواظب چشمانت باش (همان، ۴۹)



دلفین‌های بازیگوش

در ترانه‌های تو

فراری از دریا شده اند (همان، ۵۰)

سعیدی که در جایی دیگر در سه گانی‌های پیشین صدای پارو زدن ناخداها را مایع رفع افسردگی نهنگ‌ها دانسته بود در این سه گانی ترانه‌های محبوبش را عامل فراری شدن دلفین‌ها از دریا و در نهایت خودکشی دلفین‌ها در ساحل دانسته است که لحن و مفهوم زیبایی ترانه، دلفین‌ها را چون اشتران مست در صدای ساربان خوش صدا دانسته است چراکه: اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب گر ذوق نیست تو را کز طبع جانوری

(سعیدی، دیوان اشعار، غزل ۵۴۸)

وقتی نیستی

قاصدک باران

نامه چشمانت را به مرغان دریایی می‌بخشد (همان، ۶۹)

و دیگر:

دریا

موج هایش را از ابروان تو دزیده است

این همه منحنی (همان، ۷۲)

«آفتاب» هم در اشعار سه گانی سهراب سعیدی در هر دو دفتر شعر پر کاربرد است که در این فرصت به ذکر چند مورد بسنده می‌کنیم:

چشمانت

در خواب هم اسیر می‌کند

آفتاب تو در صبح و شب می‌آید (همان، ۴۳)

و:

امروز خیابان‌های شهر

پر از آدم شده است!



برای خورشید نقشه می‌کشند؟ (همان، ۴۵)

و یا:

سرما زده است

تو که می‌ایی اما

خورشید راهش را کج می‌کند (همان، ۷۵)

«آفتاب» و «خورشید» که در این چه سه‌گانی آمده در تعبیر کنایی است و سعیدی از طبیعت اطرافش برای در پرده سخن گفتن اشعار فشرده اش استفاده می‌کند و همین به حسن کارش می‌افزاید که طبیعت اقلیمی را به پرده‌های تو در توی اشعار فشرده اش ببرد، تا مخاطب از کشف و شهود در این اشعار کوتاه لذت ببرد.

نتیجه‌گیری

سهراب سعیدی یکی از شاعران و نویسندگان هرمزگانی است که مسائل روز ادبیات کشور را دنبال می‌کند از این رو ایشان طلایه دار قالب سه‌گانی در استان هرمزگان با دو مجموعه «یک کاروان به دنبال تو» و «نگاهت دنباله‌ی من است» می‌باشد که مسائل بومی را جهت معرفی زادگاهش هرمزگان در اشعارش می‌آورد. ایشان در قالب سپید نیز شعر می‌سراید که اشعارش پر مفهوم و پر تصویر است، تصاویر زیبایی که از سه‌گانی‌های سعیدی دریافت می‌شود طرح جنوبی دارد که سعیدی با زبانی ساده بلاغت تصویر می‌آفریند. جهان بینی و فکر سعیدی در سه‌گانی‌هایش بیشتر طرح رنجش‌هایی است که در زندگی برای او حادث شده است که گاه شاعر از درد و رنج رها می‌شود و با طرح عاشقانه‌های زیبا اهدافش را در زندگی دنبال می‌کند. هر چند سه‌گانی‌های سعیدی در سه‌دسته قرار می‌گیرد؛ دسته‌ای که در خدمت آداب و رسوم و شاخصه‌های بومی است و در آن واژه‌هایی چون دریا با تمام ادوات آن، نخل با انواع و آداب آن و خورشید و آفتاب با تمامی گرمی‌اش ذکر می‌شود؛ دسته‌ای که در خدمت اندیشه‌اش است و سعیدی سعی در آفرینش بلاغت تصویر دارد و این آن دسته از اشعاری است که شاعر روح آرام و آسوده‌اش را در آنها جست و جو می‌کند. دسته سوم سه‌گانی‌هایی است که علاوه بر خدمت اندیشه بودن



مسائل روز و سیاست را دنبال می‌کند و در کل سعیدی در سه گانی هایش آزاده‌ای است که درد و رنج هم نوعان خود را بر نمی‌تابد و در سه گانی‌های فشرده خود دردها و رنج‌های مردم سرزمینش را بیان می‌کند. که ما در این مقاله تنها به ذکر و بررسی سه گانی‌های بوم گرایانه ایشان پرداختیم و از همه ظرفیت‌های شعر ایشان استفاده نشد..

منابع و مآخذ

الف - کتاب

- اسماعیلی، محبوبه، (۱۳۹۷)، اقلیم بومی در شعر معاصر هرمزگان، قم، دارالتفسیر.
- سعدی، مصلح بن عبدالله، (۱۳۷۶)، گلستان سعدی، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران، چشمه.
-، (۱۳۷۶)، دیوان اشعار، تهران، ققنوس.
- سعیدی، سهراب، (۱۳۹۹)، یک کاروان به دنبال تو، کرج، آثار برتر.
-، (۱۳۹۵)، ادبیات اقلیمی هرمزگان، قم، دارالتفسیر.
-، (۱۳۹۹)، نگاهت دنباله من است، کرج، آثار برتر.
- فولادی، علیرضا، (۱۳۹۴) بوطیقای سه گانی و مسائل آن، تهران، گفتمان اندیشه معاصر.
- ب - نشریات
- تمیم داری، احمد، سعیدی، سهراب، عبادتی شهناز، خوانشی بوم گرایانه از شعر زنان شاعر هرمزگان «با تأکید بر اشعار دهه هفتاد و هشتاد»، پژوهشنامه اورمزدسال ۱۳۹۸، شماره ۴۶، صص ۳۷۵.
- نوری، علی؛ علی قره‌خانی، (۱۳۹۰)، «تشیبهاات اقلیمی در داستان‌های شمال و جنوب ایران»، پژوهش‌نامه زبان و ادب فارسی، شماره ۲۰: صص ۱۷۵-۱۹۶.